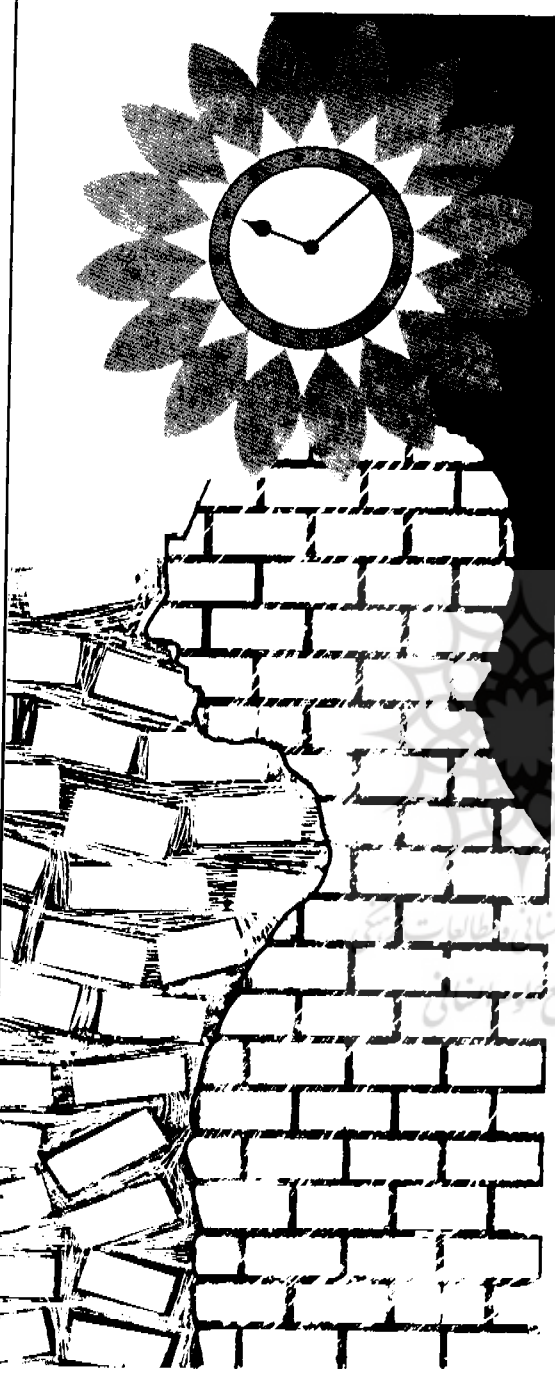




یکی از اصولی را که معلم نمونه حتما باید رعایت کند نظم و انضباط است گرچه این خصلت برای همگان لازم و ضرور مینماید ولی برای معلم ضرورت بیشتری دارد در اهمیت و ضرورت این امر اساسی همین بس که علی علیه السلام در فراز دوم وصیت نامهای اشاره به نظم و انضباط کرده میفرماید (وَنُظْمِ أَمْرِكُمْ) شاید عده ای چنین گمان کنند که منظور از رعایت اصل نظم و انضباط بموقع آمدن و رفتن تنهاست گرچه خود اینکار جزء کلی انضباط

نظم و انضباط



محسوب می‌گردد بلکه منظور حضرت چنانچه از اضافه کلمه امر استفاده میشود رعایت نظم در جمیع امور زندگی وهمه برنامه‌های انسانی است خواه این نظم مربوط به عبادت یا تجارت و یا سایر شئون زندگی باشد علی‌علیه السلام می‌خواهد بفرماید که جهان هستی برپایه نظم استوار یافته است ماکد جزئی از این جهان هستیم باید از آن انفکاک نداشته باشیم وبعبارت دیگر فردی که نا منظم است برخلاف نظام جهان هستی رفتاری دیگر دارد .

باید باین نکته توجه داشت که به‌همراه انضباط بسیاری از خصلت‌های نیکوی دیگری در انسان بوجود می‌آید که در اینجا به پاره‌ای از آنها اشاره میکنیم :

- ۱- شخص با انضباط همیشه سرحال و با نشاط است .
- ۲- حقوق و تعهدات دیگران را به بهترین وجه رعایت میکند اگر معلم است بموقع سر کلاس آمده حقوق شاگردان را تضییع نمیکند و اگر کارمند است بموقع سرکار خود حاضر شده وظایف خود را بخوبی انجام خواهد داد .
- ۳- همیشه برای دیگران الگو و نمونه خواهد بود .
- ۴- نزد همه افراد ارزشمند خواهد بود .
- ۵- راهنمایی‌هایش درباره نظم و انضباط موثر و مفید واقع خواهد شد .
- ۶- در همه کارهایش اصول انضباط و نظم را

انضباط یک پدیده روحی

شاید عده‌ای خیال کنند که انضباط معلول برخورداری از امکانات و وسائل و نزدیکی محل کار و اداره است در حالی که انضباط یک پدیده روحی بوده و ارتباطی به امکانات خارجی و دوری و نزدیکی محل کار ندارد انسان منظم اگر از وسائل و امکانات نیز برخوردار نباشد با تلاش و کوشش منظم بودن خود را حفظ خواهد کرد بنابراین افرادی که فقدان وسائل یا دوری راه و یا سایر موضوعات را مطرح میکنند در حقیقت نقص افکنی کرده گناه نا منظمی خود را به گردن مسائل دیگری میافکنند .

پس در درجه اول باید روح نظم را در وجود خود بوجود آورد اگر این حقیقت جزء خصلت‌های آدمی بشود دیگر دوری و نزدیکی برای او مفهومی نخواهد داشت و در صورت خلاف اگر منزلش بدیوار محل کارش و بنا اداره اش چسبیده باشد باز نا منظم بوده با تاخیر ورود در محل کارش حاضر خواهد شد .

بی نظمی یک عیب بزرگ

یکی از معلمان مدرسه که در سازندگی و پرورش شاگردان نقش حساسی داشته و جزء معلمان تعلیم دینی نیز



بود فقط یک عیب بزرگ داشت که هم—
کمالات او را در مواردی تحت الشعاع قرار
میداد و آن تاخیر ورودش بود نوعاً دیر
بمدرسه میآمد .

یکروز سرپرست کلاس وقتی میخواست صورت
غائبین و تاخیر ورودیها را به ناظم مدرسه
بدهد در صفحه‌ای که میبایستی تعداد و
اسامی غائبین را بنویسد چنین نوشته
بود : همه بچه‌ها حاضر بوده و کسی تاخیر
ورود نداشت در زیر نامه نوشته شده بود
فقط آقای تاخیر ورود داشت .

این خود سند و نمونه زنده‌ای بود که معلم
مربوطه با تمام خوبیهایش چون تاخیر ورود
داشت همه کمالاتش نادیده گرفته شده بود
بنابراین میتوان چنین استنتاج کرد که بی—
نظمی عیب بزرگی بوده و شخصیت آدمی را
بخاطر میاندازد .

میگویند گاندی رهبر بزرگ هندوستان پیش از
آنکه بمقام رهبری گزیده شود بشغل وکالت
اشتغال داشت و محل کارش تا منزلش یک
فرسخ فاصله داشت در مدت شش سال تمام
که باین کار اشتغال داشت دیده نشد که یک
بار بمحل کارش دیر بیاید .

اسلام دین نظم و انضباط است با همه قوانین
خود مسلمانان را با انضباط بار میآورد ، در
اسلام یکی از مسائل ضروری وقت شناسی
است مسلمان باید وقت شناس باشد زیرا
خداوند نمازهای پنج‌گانه را در اوقات معینی

واجب کرده و مسلمانان موظف هستند که در
اوقات مشخصی خدا را عبادت کنند باینکه
انجام همه نمازهای پنجگانه اوقات محدودی
دارند ولی اسلام با ترغیب بانجام نمازها
در آغاز اوقات میکوشد همه مسلمانان
افرادی با انضباط گردند ، و اما ترغیب
بانجام فرائض در نخستین لحظات اوقات
نماز توسط پیشوایان دینی با عبارات گوناگون
بدان توصیه شده است .

۱- امام حسن مجتبی (ع) بفرزندان خود
توصیه مینماید که تلاش کنند نمازها را در
اولین اوقات نماز بپا دارند **اِنَّهٗ قَالَ يَا بَنِيَّ
اَوْصِيكَ بِالصَّلٰوةِ عِنْدَ وُقْتِهَا** : ای فرزندان من
نمازها را در اول وقت بپا دارید .

۲- در برخی از روایات فضیلت نماز اول
وقت نسبت به آخر وقت همانند ارزش آخرت
نسبت بدنیا تلقی شده است .

۳- در تفسیر آیه **قَوْلٍ لِّلْمُصَلِّينَ الَّذِيْنَ هُمْ
عَنْ صَلٰتِهِمْ سَاهُونَ** : وای بر نمازگزاران
کسانی که در انجام نماز سهو کنندگانند آمده
که منظور از این گروه کسانی هستند که
رعایت نظم و انضباط را نکرده نمازها را
بدون داشتن عذری موجه بتاخیر میاندازند
از همه این گفتارها استفاده میشود که اصولاً
دین اسلام اصل نظم و انضباط را مهم دانسته
و رعایت آنرا برای همه مسلمانان توصیه
نموده است .